

دلم میخواهد....

دلم میخواهد بال هایی داشته باشم که با آن به سوی آسمان آبی پرواز می کردم و
بر روی سقف آبی آسمان می نوشتم که دوستت دارم تا تمام دنیا بفهمند من عاشق
تو هستم.

دلم میخواهد مهتاب را از جا در بیاورم و به جای مهتاب چهره تو را در آسمان بگذارم
دلم میخواهد ستاره ها دسته به دسته بچینم و در سید بریزم و با ستاره ها نام تو را
در آسمان بنویسم .

دلم میخواهد ماهی شوم ، در دریای آبی شناور شوم و تمام صدفها و مرواریدها را
جمع کنم و به تو هدیه دهم .

دلم میخواهد بهاری شوم که شکوفه هایم و تمام سبزی و طراوتم را فدای تو کنم
دلم میخواهد باران شوم و بر تن عاشق تو ببارم تا تن تو نیز مانند باران پر از طراوت و
تازگی شود.

دلم میخواهد ستاره شوم و در آسمان تاریکت بدرخشم و هر شب چهره تو را از آن
دوردست ها ببینم و به تو چشمک بزنم.

دلم میخواهد مرغ عشق شوم و به هوای تو هر سحرگاه آواز عاشقانه بخوانم
دلم میخواهد شبی شوم و بر روی تو ای گل من بنشینم تا با عطر خوست زندگی
کنم.

دلم میخواد آتشی شوم که در زمستان و سرما تو را گرم نگه دارم

دلم میخواد خاک راه تو باشم عزیزم ، ماه شب تو باشم زندگی ام ، گل باغچه تو

باشم نفسم ، دل بیقرار تو باشم عشق من ، چشم گریان تو باشم تمام وجود من ،

ساز عاشقانه تو باشم روح من ، جاده بی خطر تو باشم همسفر من ، ساحل دریای

تو باشم دریای من ، امید زندگی تو باشم خوشبختی من ، فدای قلب تو باشم بهترین

من.

و در پایان دلم میخواد همان قلبی شوم که در سینه ات میتپد و من جای قلبت را در

سینه ات بگیرم و در آنجا با خون عشقت و گرمای قلبت زندگی کنم.



alifathi1385@yahoo.com